

تحلیل موانع فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر اجرای سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای ایران

ابراهیم علی‌دوست قهفرخی^۱، مجید جلالی فراهانی^۲، محمود گودرزی^۳، الیاس نادران^۴

۱. استادیار دانشگاه تهران*

۲ و ۴. دانشیار دانشگاه تهران، ۳. استاد دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۵/۰۴

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۸/۲۶

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و تحلیل موانع فرهنگی و اجتماعی اثرگذار بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به هدف اصلی پژوهش، روش انجام پژوهش از نوع کیفی است. به این منظور، با انجام مصاحبه‌های کیفی با خبرگان و متخصصان امر، مهم‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی موجود در مسیر پیاده سازی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای کشور شناسایی شد. در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری، از افرادی انجام شد که مربوط‌ترین داده‌ها را درباره موضوع پژوهش فراهم می‌کردند. در پژوهش حاضر از نظرات ۲۶ نفر از افراد، در قالب ۳۵ مصاحبه استفاده شد و زمانی که موضوع به حد اشباع نظری رسید، فرآیند جمع‌آوری یافته‌ها پایان یافت. مطابق با مبانی پژوهش‌های کیفی، تحلیل یافته‌ها همزمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد مهم‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی عبارتند از: مخالفت برخی متخصصان و کارشناسان با مباحث خصوصی سازی، وجود ریشه‌های تاریخی و سابقه ۸۰ ساله اقتصاد دولتی، نگاه مالکیتی دولت به شرکت‌ها و صنایع زیردست، وجود ابهام در واگذاری و ترس از تغییر در مدیران و مسئولان باشگاه‌هایی ورزشی، عدم تمایل مسئولان و مدیران دولتی به کاهش حیطه نظارت یا مدیریت آن‌ها، عدم شناخت فرهنگ ورزش حرفه‌ای در میان مسئولان و مدیران باشگاه‌های ورزشی، عدم اعتقاد برخی مسئولان و دولت‌مردان به اثربخشی و کارایی بخش خصوصی در ورزش، عدم نگرش و اعتقاد به ورزش به‌عنوان مقوله‌ای اقتصادی و انتظار کارکردهای فرهنگی و تربیتی از باشگاه‌هایی حرفه‌ای.

واژگان کلیدی: خصوصی سازی، باشگاه حرفه‌ای، اقتصاد ورزش.

مقدمه

اصل ۴۴ قانون اساسی به فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی می‌پردازد و شامل پنج بند است. بند «الف» دو بخشی است که بخش اول آن ناظر بر فعالیت‌های اقتصادی خارج از موارد صدر اصل ۴۴ است که طبق آن دولت (مگر با تصویب مجلس) حق فعالیت جدید ندارد و از ابتدای برنامه چهارم توسعه باید سالانه ۲۰٪ از این فعالیت‌ها را واگذار نماید. در بخش دوم از بند «الف» به آزادسازی بخش اعظمی از فعالیت‌های اقتصادی دولتی صدر اصل ۴۴ توجه شده و به بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی اجازه داده شده است که در آن موارد سرمایه‌گذاری و مالکیت و مدیریت داشته باشند. بند «ب» به نحوه توسعه مفهومی تعاونی‌ها و ارتقای سهم آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی اشاره دارد. بند «ج» به واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌ها، به‌ویژه بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴، به بخش‌های غیردولتی اختصاص دارد. بندهای «د» و «ه» به الزامات واگذاری‌ها، مصارف درآمدهای حاصل و چگونگی تداوم حاکمیت دولت و پرهیز از انحصارات بخش غیردولتی اشاره می‌کند (۱).

با توجه به اینکه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ناظر بر فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است؛ سؤالی که وجود دارد این است که آیا مسائل مربوط به ورزش کشور را نیز شامل می‌شود؟ برخی محققان اعتقاد دارند اصل ۴۴ یک اصل اقتصادی است و چون ورزش بیشتر در قالب خدمات است جزو مقولات اقتصادی محسوب نمی‌شود. با این حال، ورزش (در اشکال مختلف آن) برای بسیاری از افراد جامعه به عنوان یک حرفه شناخته می‌شود و زمانی که فعالیتی به عنوان یک حرفه شناخته می‌شود، برای آن در اقتصاد جایگاهی را تعریف می‌کنند. اتفاقات عصر حاضر باعث شده است که صرفه‌های اقتصادی ورزش بسیار چشمگیر شود، به طوری که باشگاه‌هایی ورزشی در دنیا از زمره بنگاه‌های سودده هستند. ورزش با وجود بیشترین علاقمندانی که در دنیا دارد، مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته و موفقیت در آن به منزله موفقیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

بنگاه‌های دولتی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، در فضایی کاملاً تحت کنترل عمل می‌کنند که در آن دولت مالک است و مدیریت آن تنها عاملی اجرایی است. نبود سیستم نظارت بر عملکرد مدیران، نبود انضباط مالی، جایگزینی اهداف اجتماعی به جای اهداف اقتصادی از جمله عواملی هستند که کارایی بنگاه‌های دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. عدم کارایی بنگاه‌های دولتی از نداشتن استقلال در تعیین اهداف، قیمت کالاها و خدمات تولیدی، استخدام و یا اخراج کارگران، پرداخت حقوق و پاداش و غیره نشأت می‌گیرد. با خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی، رابطه‌ای منطقی بین مالکان شرکت و مدیران تعریف می‌شود و مدیران اجازه می‌یابند کنترل کاملی بر بنگاه‌های اقتصادی اعمال کنند تا به اهداف تعیین شده (که مهم‌ترین

آن‌ها کسب حداکثر سود است) دست یابند (۲).

امروزه، سازمان‌های ورزشی دولتی از لحاظ کارایی عملیاتی و عملکرد مالی پایین‌تر از سطح مطلوب قرار دارند و چندان دلخواه عموم جامعه نیستند؛ از این رو بسیاری از سازمان‌های ورزشی که کاملاً در مالکیت دولت قرار دارند و به شکل دولتی اداره می‌شوند، با کمبود بودجه مواجه می‌شوند. این وضعیت سبب حذف یا کاهش خدمات و رویدادهای ترتیب داده شده به‌وسیله این سازمان‌ها شده است. شاید بتوان علت اصلی مشکلات ورزش ایران را در این نکته دانست که اقتصاد ایران دولتی است و به‌صورت درون‌گرا و انحصارگر عمل می‌کند که همین امر صنعت ورزش ایران را با مشکل مواجه کرده است. مالکیت دولتی بیشتر شرکت‌های تجاری سبب می‌شود رقابتی بین آن‌ها وجود نداشته باشد. از طرفی، باشگاه‌ها نیز دولتی‌اند که مانعی در راه درآمدزایی بهینه محسوب می‌شود. تا هنگامی که دولت به باشگاه‌ها کمک می‌کند آن‌ها نیز به سمت درآمدزایی نمی‌روند. با توجه به اینکه اقتصاد کشور ما درون‌گراست، حامیان مالی نیز رغبتی برای سرمایه‌گذاری مستقیم در صنعت ورزش ندارند و به همین دلیل است که بسیاری از حامیان مالی از دست رفته‌اند (۳).

در حال حاضر، بحث خصوصی‌سازی در تمام صنایع مورد توجه قرار گرفته و صنعت ورزش نیز از این مقوله مستثنی نیست. در بسیاری از کشورهای جهان ساختار سنتی باشگاه‌ها تغییر کرده و به مدد تجاری شدن آن‌ها، صنعت ورزش رونق قابل توجهی یافته است. در کشورهای پیشرفته ارزش افزوده صنعت ورزش بخش قابل توجهی از محصول ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و نقش مهمی در ایجاد درآمد، اشتغال و نیز تفریح و سرگرمی ایفا می‌کند (۴، ۵).

یکی از راه‌هایی که برای غلبه بر مشکلات بخش عمومی پیشنهاد شده و به‌صورت گسترده طرفدار پیدا کرده، واگذاری به بخش خصوصی است (۶). بخش خصوصی ورزش می‌تواند نقشی مؤثر در توسعه ورزش همگانی، قهرمانی و همچنین اهدافی از قبیل اشتغال‌زایی و افزایش بهره‌وری اماکن و تجهیزات ورزشی داشته باشد (۷). همچنین، مطابق قانون برنامه چهارم توسعه تا پایان برنامه (سال ۱۳۸۸) باید تمامی فعالیت‌های اجرایی تأمین منابع ورزش حرفه‌ای به بخش‌های غیردولتی واگذار می‌شد، ولی مروری بر نوع مالکیت باشگاه‌های حرفه‌ای ایران نشان می‌دهد دولت همچنان تصدی بسیاری از باشگاه‌های دولتی را بر عهده دارد (۸).

بررسی شواهد تجربی در خصوص خصوصی‌سازی نشان می‌دهد، خصوصی‌سازی به بهبود سطح عملکرد شرکت‌ها منجر می‌شود (۹). با این حال، محققان نشان دادند عواملی که بر عملکرد پس از خصوصی‌سازی تأثیر می‌گذارد در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه متفاوت است (۱۰). در همین زمینه، پژوهشگران بیان کردند که اصلاحات اقتصادی و اثربخشی مالکیت شرکتی دو عامل کلیدی در تغییر عملکرد شرکت‌های خصوصی است (۱۱). همچنین، تجربه

کشورهای مطالعه‌شده حاکی از آن است که اگر خصوصی‌سازی پس از مطالعات جامع و بر اساس برنامه‌ریزی دقیق انجام نشده، بسترهای لازم برای اجرای آن فراهم نشود و بر فرآیند آن در حین و پس از آن نظارت نگردد، اجرای آن افزایش بی‌عدالتی و بروز نارضایتی عمومی را در پی خواهد داشت (۱۲).

خصوصی‌سازی از ریشه‌های دموکراسی به شمار می‌آید و مفهومی اجتماعی است. اگر جامعه بزرگ‌تر از دولت باشد، آنگاه می‌توان اعلام نمود که خصوصی‌سازی می‌تواند پیشرفت کند. از سوی دیگر، در هر جایی که دولتی قوی وجود دارد، بخش خصوصی دچار ضعف خواهد شد. همچنین، به‌علت بزرگ بودن دولت در خاورمیانه، فضای بسیار اندکی برای انتخاب فردی باقی می‌ماند و هیچ نشانه‌ای از آزادی عمل فردی در خاورمیانه مشاهده نمی‌شود؛ در نتیجه ما دارای جوامع ضعیف و دولت‌های قوی خواهیم بود. همچنین، شواهد گویای این نکته‌اند که در کشورهای مبتنی بر اقتصاد نفتی همچون ایران، قدرت اقتصادی در دست دولت متمرکز است و فضای بسیار اندکی برای حضور فعالان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه در خارج از سیستم‌های دولتی وجود دارد (۱۳).

علاوه بر موارد بالا، در کشورهایی که بخش خصوصی ناسالم و توسعه نیافته‌ای دارند که خود نیازمند حمایت دولت است، کارآیی تعریف شده با رویکرد شناخته شده آن سازگاری ندارد؛ بنابراین اگرچه خصوصی‌سازی سیاستی است که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته با تدارک مقدمات لازم با موفقیت همراه بوده است، باید این نکته را در نظر داشت که چنانچه شروط و پیش‌نیازهای لازم برای آن فراهم نباشد، تصمیم برای خصوصی‌سازی آثار مطلوبی برای اقتصاد کشور بر جای نمی‌گذارد؛ به عنوان نمونه، در آفریقا برنامه‌های خصوصی‌سازی به دلیل نداشتن زیربنای مالی لازم و ناتوانی بخش خصوصی، با دشواری‌های زیادی روبه‌رو شد. در کشورهایی چون کنیا، جامائیکا و پرو نیز نبود حمایت لازم از سوی دولت و تکیه این کشورها به حمایت‌های خارجی از جمله دلایل و موانع ناکامی خصوصی‌سازی بوده است (۱۴). در آمریکای لاتین و همچنین در کشورهای اروپای شرقی با وجود تلاش بسیار جدی برای خصوصی‌سازی، سایه ۵۰ سال حاکمیت رژیم‌های سوسیالیستی باعث شده این کشورها به دلیل نداشتن زیربنای مالی مناسب و محدودیت و امکانات لازم نتوانند به موفقیت چشمگیری برسند. از سوی دیگر فقدان کارآفرینی و ضعف طبقه کارآفرینان از دیگر عواملی است که امکان دستیابی به سرمایه‌های داخلی و خارجی را با مشکل مواجه می‌کند. معمولاً در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای عربی، طبقه سرمایه‌دار از خانواده‌ای گسترده‌اند که به دنبال سود آسان و زیادند و از ریسک تجاری دوری می‌جویند؛ از این رو تا حد امکان از سرمایه‌گذاری (به‌ویژه در منابع انسانی) در واحدهای صنعتی پرهیز می‌کنند (۱۵).

ارتباط باشگاه‌های ورزشی با مراجع دولتی موضوعی است که هنوز در بعضی از کشورها به‌صورت

روشن و مشخص تعریف نشده است؛ بنابراین در بسیاری از موارد این موضوع به معضلی اجتماعی تبدیل شده، هزینه‌های زیادی نیز صرف آن می‌شود (۱۶). به هر حال، دولت‌ها بنا به دلایل مختلف تمایل دارند تا در امور ورزشی وارد شوند. جکسون^۱ (۱۹۹۸) با انجام مطالعاتی بیان می‌کند که نگرش دولت‌ها به ورزش و باشگاه‌های ورزشی می‌تواند از حمایت فعالانه تا نادیده گرفتن آن در نوسان باشد. همچنین وی بیان کرده است که به‌طور کلی دولت‌ها با اهداف زیر در امور ورزشی وارد می‌شوند:

- تشویق جوانان به مشارکت در فعالیتهای ارزشمند اجتماعی؛
- ارتقای سلامتی جامعه؛
- بهبود وضعیت آموزش، رشد شخصی و گسترش مشارکت عمومی؛
- گسترش و تعمیم آداب اجتماعی و فرهنگی در عرصه عمومی؛
- کسب اعتبار ملی و بین‌المللی؛
- ایجاد تعامل بین مردم و دولت (۱۷).

موارد بالا همگی می‌توانند دلایلی مهم برای توجیه حضور و مداخله دولت‌ها در ورزش باشد. باشگاه‌های ورزشی نیز به دلایل مختلف نیاز مبرمی به حمایت دولت دارند، ولی نکته مهم این است که رابطه دولت و باشگاه باید به‌طور روشن و صریح تعریف و تبیین شود (۱۸، ۱۹). گذشته از نوع باشگاه‌داری، نگاهی به حرفه‌ای شدن ورزش در کشور نشان می‌دهد شروع این حرکت بدون مطالعات و اساس علمی و تجربی بوده و اصولاً بنای آن غیر تخصصی گذاشته شده است که علت آن را می‌توان در ناکافی بودن ضوابط و مقررات قانونی موجود جستجو کرد (۱۶).

کاشف، جعفری و احمدی (۱۳۸۶)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی موانع و مشکلات موجود در رابطه با اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش از دیدگاه صاحبان باشگاه‌های خصوصی شهرستان اصفهان» ۱۵ مورد از مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار بر خصوصی سازی در ورزش را به سه دسته عوامل مرتبط با قانون، عوامل فرهنگی و عوامل اقتصادی تقسیم بندی کردند. مهم‌ترین عوامل فرهنگی عبارت بودند از: دخالت موازی و همزمان سازمان تربیت بدنی، عدم هماهنگی و تعدد مراجع تصمیم‌گیر برای ارائه مجوز، بی‌میلی مردم به ورزش، نگرش بدبینانه مردم به بخش خصوصی، عدم تمایل مردم به صرف هزینه و سرمایه در امور ورزشی، عدم تبلیغ و فرهنگ‌سازی مناسب مطبوعات و صدا و سیما (۲۰).

پاداش (۱۳۸۸) در پژوهشی با هدف تعیین و اولویت‌بندی عوامل مدیریتی و اجرایی مؤثر بر خصوصی‌سازی باشگاه‌های ورزشی نشان داد، جنبه‌های اجتماعی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر

خصوصی‌سازی باشگاه‌های ورزشی است. همچنین، در مدل کلی پژوهش نیز ۱۳ زیر معیار اولویت‌بندی شدند که عوامل مدیریت نامطلوب، استفاده نکردن از نیروی متخصص و نبود انگیزه کافی در بخش خصوصی، به ترتیب دارای اولویت‌های اول تا سوم بودند (۳).

کین^۱ (۲۰۰۹) نیز ضمن اشاره به مشکلات مالی باشگاه‌ها و افزایش روزافزون بدهی‌ها در لیگ فوتبال انگلستان، برای رفع این مشکلات پیشنهادهای را ارائه کرده است که مهم‌ترین آن‌ها انتخاب فرد یا افراد مناسب و شایسته به‌عنوان مالک باشگاه است. وی حتی دقت در انتخاب مدیر باشگاه را به‌عنوان راه حلی برای رفع این مشکلات پیشنهاد می‌کند (۲۱). بارونسلی و لاگو (۲۰۰۶) نیز ضمن بررسی دلایل بحران مالی در باشگاه‌های حرفه‌ای بیان کردند که اصلی‌ترین دلیل بحران مالی در لیگ‌های حرفه‌ای افزایش بی‌رویه قیمت بازیکنان بوده و با اصلاحاتی که در شیوه و نوع قراردادها اعمال شد و همچنین با تغییر برخی قوانین (از جمله کاهش تعداد بازیکنان تیم‌ها) و تغییر سیاست‌های باشگاه‌ها (مانند استفاده از بازیکنان ارزان قیمت آفریقای و آسیایی، تشکیل تیم‌های پایه و سرمایه‌گذاری روی بازیکنان جوان) بخشی از این مشکلات مرتفع شد (۲۲).

همزمان با ورود باشگاه‌ها به عرصه تجارت، گرایش صاحبان سرمایه به سرمایه‌گذاری در این صنعت پررونق، شدت و شتاب بیشتری می‌گیرد. در چنین وضعیتی، استفاده از روش‌های نوین، حرفه‌ای و مطمئن در اداره باشگاه‌ها و رعایت حقوق سرمایه‌گذاران بیش از پیش اجتناب‌ناپذیر شده است، اما این موضوع باید با توجه به تجربه دیگر کشورها و آشنایی نسبت به نحوه مالکیت، مدیریت، نظارت، کیفیت عملکرد مالی باشگاه‌های ورزشی و نیز شناخت وضعیت حاکم بر سیستم ورزش کشور به دقت بررسی شود. استفاده از این روش‌ها و اتخاذ تدابیر ویژه در مورد افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های باشگاه‌ها، چشم‌انداز مثبتی از صنعت ورزش را در آینده نوید می‌دهد؛ بنابراین برای تحقق آن باید کارهای زیربنایی برای اجرایی شدن اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی باشگاه‌هایی حرفه‌ای صورت گیرد.

موضوع این پژوهش بیانگر وضعیت و مشکلاتی است که طی سال‌های گذشته در سیستم اقتصادی کشور و به تبع آن سیستم ورزش کشور، به‌ویژه در بخش ورزش حرفه‌ای احساس می‌شود و آن پیاده نشدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص مسائل اقتصادی ورزش کشور است. محقق در صدد تحلیل موانع فرهنگی و اجتماعی ایجاد شده در این مسیر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، پژوهش یا مطالعاتی درباره موانع پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای کشور انجام نشده و معدود پژوهش‌های مربوط نیز تنها حوزه‌هایی خاص از بحث خصوصی‌سازی را پوشش داده‌اند.

1. Keen, MP. A.

روش پژوهش

با توجه به هدف اصلی پژوهش، روش انجام پژوهش از نوع کیفی است. پژوهش کیفی^۱ نوعی پژوهش است که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی شدن کسب شده‌اند (۲۳)؛ به بیان دیگر، داده‌ها در پژوهش کیفی به صورت واژه (و نه ارقام) به توصیف موضوع می‌پردازند. این نوع داده‌ها برای توصیف و تشریح شرایط پیرامون پدیده (موضوع و مقولات مورد پژوهش) به کار می‌رود. علاوه بر آن، به کمک داده‌های کیفی می‌توان درباره روابط بین مقولات مورد بررسی و عمق ساختار آن‌ها به تدوین فرضیه پرداخت و سرانجام نظریه‌پردازی کرد (۲۴).

برای اجرای پژوهش، ابتدا از طریق رجوع به اطلاعات موجود در پایگاه‌های اینترنتی، کتب، مجلات و نشریات مختلف، مبانی نظری و پیشینه موضوع بررسی شد. سپس با انجام مصاحبه‌های کیفی با خبرگان و متخصصان امر، مهم‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی اثرگذار بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای کشور شناسایی شد.

گفتنی است که با توجه به مبانی نظری پژوهش‌های کیفی، همزمان با انجام مصاحبه‌ها، تحلیل و کدگذاری آن‌ها نیز انجام شد به طوری که تحلیل هر مصاحبه به همراه یافته‌های قبلی راهنمای مصاحبه و معیاری برای انتخاب افراد بعدی بود. انجام مصاحبه‌های کیفی تا حد رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. آنگاه موانع شناسایی شده در قالب مؤلفه‌هایی دسته بندی شده و به طور مجزا ارائه گردیدند. در مرحله بعد، دیدگاه‌ها و راهکارهای افراد نمونه در این خصوص به طور جامع و کامل گردآوری و دسته بندی شد و در نهایت، یافته‌ها تجزیه و تحلیل شدند.

جامعه آماری پژوهش استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور در حوزه مدیریت ورزشی و اقتصاد و نیز کلیه مدیران ارشد سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک، رؤسای فدراسیون‌ها و مدیران عامل باشگاه‌های ورزشی، اعضای کمیسیون‌های اقتصادی و ورزش در مجلس شورای اسلامی در دوره زمانی برنامه پنج ساله چهارم (از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸) بود که حدود ۱۵۰ نفر را شامل می‌شد. همچنین، به منظور دریافت نظرات خبرگان و متخصصان از افراد شناخته شده و صاحب نام در عرصه‌های خصوصی سازی و همچنین باشگاه‌داری خصوصی نیز استفاده شد.

بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده، نمونه‌گیری از افرادی انجام شد که بیشترین فرصت

را برای گردآوری مربوطترین داده‌ها درباره پدیده مورد مطالعه فراهم می‌کردند. در انتخاب افراد برای انجام مصاحبه، ابتدا تیم پژوهش حدود ۴۵ نفر از افرادی را که تصور می‌شد در زمینه موضوع پژوهش صاحب‌نظر و خبره‌اند شناسایی کرده، اقدام به انجام مصاحبه نمود. (برخی از این افراد نیز با وجود پیگیری‌های زیاد محققان، حاضر به انجام مصاحبه نشدند). از نکات بسیار قابل توجه در انتخاب افراد مصاحبه شونده توجه به چند وجهی بودن آن‌ها بود. مثلاً برخی از نمایندگان مجلس یا اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضمن صاحب‌نظر بودن در عرصه اقتصاد، سابقه مدیریت در عرصه ورزش را نیز داشتند.

زمانی که موضوع به حد اشباع نظری رسید، فرآیند انجام مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها پایان یافت. در منابع علمی انجام ۱۲ تا ۱۸ مصاحبه را برای رسیدن به اشباع نظری کافی می‌دانند با این حال، محققان برای اطمینان از رسیدن به اشباع نظری ۳۵ مصاحبه با ۲۶ نفر انجام دادند (با برخی از افراد بیش از یک‌بار مصاحبه شد). منظور از اشباع نظری زمانی است که به نظر نمی‌رسد با انجام مصاحبه‌های جدید، داده‌های تازه‌ای در مورد مقوله مورد نظر به دست آید. همچنین، گسترش مقوله مورد نظر به همراه روند و تنوع آن منظور شده و به غلظت کافی رسیده باشد و روابط بین مقولات پژوهش برقرار و تأیید شده باشد. جدول ۱، تنوع و تعداد افراد مصاحبه شده را به تفکیک جایگاه و موقعیت شغلی و اجتماعی نشان می‌دهد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش استقراء منطقی، به‌منظور مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی استفاده شد. این فرآیند بدین ترتیب بود: (۱) اجرا و ویرایش مصاحبه‌ها؛ (۲) کدگذاری نظرات؛ (۳) طبقه‌بندی نظرات در گروه‌های مفهومی یکسان؛ (۴) تفسیر مفاهیم برآمده از پژوهش؛ (۵) ترکیب مفاهیم و نتیجه‌گیری و (۶) مقایسه نتایج با نتایج سایر مطالعات (۲۵).

جدول ۱. تنوع و تعداد افراد مصاحبه شده به تفکیک جایگاه و موقعیت شغلی و اجتماعی

تعداد افراد	تعداد مصاحبه	جایگاه و موقعیت شغلی و اجتماعی
۳ نفر	۴ مصاحبه	اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۴ نفر	۸ مصاحبه	نمایندگان مجلس شورای اسلامی
۴ نفر	۶ مصاحبه	اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه در رشته مدیریت ورزشی
۴ نفر	۴ مصاحبه	اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه در رشته اقتصاد
۴ نفر	۴ مصاحبه	رؤسا و مدیران ارشد سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک
۳ نفر	۵ مصاحبه	رؤسا و مدیران ارشد فدراسیون‌های ورزشی
۴ نفر	۴ مصاحبه	رؤسا و مدیران عامل باشگاه‌های حرفه‌ای خصوصی و دولتی
۲۶ نفر	۳۵ مصاحبه	مجموع

نتایج

پس از انجام مصاحبه با خبرگان و متخصصان و تجزیه و تحلیل آن‌ها، موانع فرهنگی و اجتماعی اثرگذار بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای کشور شناسایی و دسته‌بندی شدند. در این مرحله، ۱۶ مانع شناسایی شد. سپس، مواردی که تنها در یک یا دو مصاحبه مطرح شده بود حذف و در مجموع ۱۲ مانع که متخصصان اتفاق نظر بیشتری بر آن‌ها داشتند، به‌عنوان مهم‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی انتخاب شد که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. موانع فرهنگی و اجتماعی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای

ردیف	مهم‌ترین موانع شناسایی شده
۱	مخالفت برخی متخصصان و کارشناسان با مباحث خصوصی‌سازی
۲	درک و تفسیر متفاوت از سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ در بین متخصصان
۳	وجود ریشه‌های تاریخی و سابقه ۸۰ ساله اقتصاد دولتی
۴	وجود ابهام در واگذاری و ترس از تغییر در مدیران و مسئولان باشگاه‌هایی ورزشی
۵	نگاه مالکیتی دولت به شرکت‌ها و صنایع زبردست
۶	بی‌میلی مسئولان و مدیران دولتی به کاهش حیطه نظارت یا مدیریت آن‌ها
۷	عدم شناخت فرهنگ ورزش حرفه‌ای در بین مسئولان و مدیران باشگاه‌های ورزشی
۸	عدم اعتقاد برخی مسئولان و دولت‌مردان به اثربخشی و کارایی بخش خصوصی در ورزش
۹	نبود نگرش و اعتقاد به ورزش به‌عنوان مقوله‌ای اقتصادی
۱۰	نگرش نامناسب به صنعت ورزش در اولویت‌بندی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
۱۱	انتظار کارکردهای فرهنگی و تربیتی از باشگاه‌های حرفه‌ای

بحث و نتیجه‌گیری

اصلی‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی که در مسیر پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای شناسایی شد در جدول شماره ۲ ارائه شده است. نبود نگرش و اعتقاد به ورزش به‌عنوان مقوله‌ای اقتصادی و همچنین، جایگاه نامناسب صنعت ورزش در اولویت‌بندی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از جمله مهم‌ترین موانع فرهنگی و اجتماعی شناسایی شده در راه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای است. یکی از مهم‌ترین مباحث در بحث واگذاری‌ها، اولویت‌بندی شرکت‌ها و صنایع است. محققان اعتقاد دارند، اولویت‌بندی شرکت‌ها برای واگذاری به بخش غیردولتی و قیمت‌گذاری آن‌ها باید به صورت کارشناسی شده صورت پذیرد. بدین طریق که ابتدا

شرکت‌هایی به فروش برسد که کالا و خدمات تجاری تولید و در بخش‌های رقابت عمل می‌کنند و سپس سایر شرکت‌ها در اولویت فروش قرار گیرند. در قیمت‌گذاری شرکت‌ها نیز از روش‌های معتبر و علمی استفاده شود. تجدید ساختار شرکت‌های قابل واگذاری، تسویه بدهی‌های آن‌ها به دولت، مقررات زدایی، اتخاذ تدابیر لازم برای کنترل‌های کمی و کیفی شرکت‌های واگذار شده از نظر بازدهی، تعداد نیروی کار، سوددهی و غیره نیز از دیگر اقدامات لازم برای اجرایی نمودن بند «ج» ابلاغیه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است (۲۷). امروزه، بحث خصوصی سازی در تمام صنایع مورد توجه قرار گرفته و صنعت ورزش نیز از این مقوله مستثنی نیست، ولی صنعت ورزش در ایران هزینه بر است. باشگاه‌های ایرانی از دولت بودجه می‌گیرند و توان درآمدزایی زیادی ندارند. شاید به همین دلیل است که بسیاری از متخصصان و کارشناسان اقتصادی هنوز ورزش را به عنوان مقوله‌ای اقتصادی نپذیرفته‌اند در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان ساختار سنتی باشگاه‌ها تغییر کرده و به مدد تجاری شدن باشگاه‌ها، صنعت ورزش رونق قابل توجهی یافته است. در کشورهای پیشرفته ارزش افزوده صنعت ورزش بخش قابل توجهی از محصول ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و نقش مهمی در ایجاد درآمد، اشتغال و نیز تفریح و سرگرمی ایفا می‌کند (۴). بدیهی است تا زمانی که ورزش نتواند خود را به عنوان مقوله‌ای اقتصادی به اثبات برساند، جایگاه مناسبی در اولویت‌بندی‌های سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز نخواهد داشت و به تبع آن توجه چندانی به خصوصی سازی یا واگذاری باشگاه‌های ورزشی نخواهد شد.

وجود درک و تفسیر متفاوت از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در بین متخصصان و عدم اعتقاد برخی مسئولان و دولتمردان به اثربخشی و کارایی بخش خصوصی را می‌توان از دیگر موانع مهم فرهنگی و اجتماعی دانست. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترویج شعارها علیه سرمایه‌داری در بین عموم مردم به لحاظ روانی به عواملی برای خروج سرمایه‌ها از کشور تبدیل شد و بدین ترتیب انگیزه سرمایه‌گذاری خصوصی در اثر ترس و ناامیدی و عدم پذیرش اجتماعی مخفی ماند. بدیهی است خلأ فرهنگی حاصل از برداشت نادرست از خصوصی‌سازی، به‌عنوان مانعی بر سر راه فعالیت بخش خصوصی قرار گرفت. این مسئله در حدی بود که در بیشتر موارد مبارزه با سرمایه‌گذاری خصوصی و سرکوب آن در راستای مبارزه با استعمار و استثمار قلمداد شد (۲۶).

سیاست خصوصی سازی به‌عنوان یکی از برنامه‌های اصلاح ساختار اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به‌طور جدی پیگیری و اجرا شده است. اگرچه خصوصی سازی سیاستی بوده که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته با تدارک مقدمات لازم با موفقیت همراه بوده است، در کشورهای در حال توسعه نتایج سیاست خصوصی سازی به

طور کامل مشخص نیست و در برخی موارد ابهامات زیادی در مورد موفقیت‌آمیز بودن آن وجود دارد. در واقع خصوصی سازی امری بسیار حساس، پیچیده و دارای تبعات گسترده اقتصادی، اجتماعی است و چنانچه مقدمات و لوازم اجرای تدارک دیده نشود، شرایط بسیار ناگوارتر از قبل خواهد شد (۲۷). توکلی و نوربخش (۱۳۸۷) نیز اختلاف نظر در اهداف، چشم‌انداز و آینده مطلوب خصوصی سازی را مانعی در جهت پیشبرد آن می‌دانند. علاوه بر اینکه وقتی درک روشنی از اهداف و استراتژی وجود نداشته باشد، توجه جدی به آینده و طراحی برنامه برای دستیابی به آینده مطلوب نیز ممکن نخواهد بود (۲۸). مدیریت اثربخش در این زمینه، قبل از هر چیز باید ریشه‌های نبود تعریف صحیح از اهداف، راهبردها و آینده مطلوب را شناسایی کند و ضمن پذیرفتن واقعیت وجودی چنین امری در مسیر خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، با چشمانی باز برای مراحل بعدی قدم بردارد. در مراحل بعدی و به‌منظور برطرف کردن این اختلاف و ایجاد همگرایی ذهنی بیشتر در ارکان و کارکنان سازمان‌ها، می‌توان از طریق جلسات فردی و گروهی، جلسات آموزشی، گردهمایی‌ها و سمینارهای علمی در خصوص تبیین بیشتر و دقیق اهداف، راهبردها، چشم‌اندازها و آینده مطلوب اقدام کرد (۲۸).

در حال حاضر تحقق و اجرای اصل ۴۴ در کشور متناسب با رشد اقتصادی نیست و حرکت همگانی برای ایجاد فضای تولید و بالندگی در این زمینه ایجاد نشده است. عده‌ای در بدنه دولت و با فکر دولتی، موجب کندی روند اجرایی شدن سیاست‌های اصل ۴۴ هستند. می‌توان برداشتهای متفاوت از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را نیز به این مسئله افزود (۲۹).

از دیگر موانع فرهنگی و اجتماعی شناسایی شده می‌توان به وجود ریشه‌های تاریخی و سابقه ۸۰ ساله اقتصاد دولتی و همچنین ترس از تغییر و ابهام در واگذاری در مدیران و مسئولان باشگاه‌های ورزشی اشاره کرد. در واقع، بر هیچ کس پوشیده نیست که بیش از ۸۰ سال است که اقتصاد کشور به‌صورت دولتی اداره شده است و تغییر آن نیز مستلزم اقدامات فرهنگی و اجتماعی فراوانی است و نمی‌توان انتظار داشت این اتفاق به‌صورت دفعی و کوتاه مدت رخ دهد. مؤمنی (۱۳۷۴) در پژوهش خود اظهار داشت، بخش خصوصی در ایران همواره دچار ترسی تاریخی و ریسک‌گریزی مفرط در زمینه سرمایه‌گذاری بوده است. این واقعیت‌ها ایجاب می‌کند که این بخش به‌دلیل این مشکلات تاریخی (که بخشی از آن‌ها دلایل و توجیه‌های خاص سیاسی و اجتماعی هم داشته) حتماً دوره اصلاحات نهادی- رفتاری را طی کند؛ زیرا تا زمانی که این اصلاحات انجام نشود، نمی‌توان مسئولیت‌های سنگین بر عهده آنان گذاشت (۳۲).

خصوصی‌سازی با تنش‌های اجتماعی همراه است. در عموم کشورها وقتی تغییر مالکیت رخ می‌دهد، کارکنان شرکت‌های دولتی از اینکه این تغییر مالکیت چه بر سر آن‌ها خواهد آورد،

واهمه دارند و همین باعث ایجاد نارضایتی می‌شود. آشکارترین شکل این نارضایتی، اعتراض خیابانی است و پنهان‌ترین شکل هم این است که از فرصت‌ها استفاده کرده، کاری کنند که از تحولات آتی کمترین زیان را ببینند (۳۱).

اصلی‌ترین دلایل بروز این نارضایتی‌ها ترس از بیکاری یا کاهش دستمزدها است. با اجرای برنامه خصوصی‌سازی، مانند بیشتر کشورهایی که این برنامه را اجرا کرده‌اند، موضوع افزایش بیکاری‌ها بسیار خطرناک خواهد بود و ممکن است به‌عنوان مانعی در برابر این برنامه عمل نماید (۳۳). این در حالی است که تحقیقات جدید نشان داده‌اند که خصوصی‌سازی در درازمدت، تأثیر منفی قابل توجهی بر بیکاری و دستمزدها ندارد، ولی به‌طور قطع، در کوتاه مدت و بعد از انجام خصوصی‌سازی یا واگذاری برخی شرکت‌های دولتی، تغییرات کمی و کیفی در شاغلان این دستگاه‌ها و سازمان‌ها رخ خواهد داد و عده‌ای به‌طور داوطلبانه یا به اجبار بیکار خواهند شد. بدین ترتیب، لازم است دولت به‌منظور تأمین نیازهای مالی این افراد و پیاده کردن طرح‌های بازنشستگی و پرداخت مستمری آگاهانه عمل کرده، در صورت امکان برای بازآموزی این افراد و ایجاد اشتغال برای آن‌ها برنامه‌ریزی کند (۳۴، ۲۷). همچنین، طبق تجربه سایر کشورها می‌توان از روش‌هایی نظیر شرط عدم تعدیل نیروی کار در ازای استفاده از برخی مزایا (مانند تخفیف‌های مالیاتی، اعطای تسهیلات و غیره) استفاده کرد (۳۵).

مخالفت برخی متخصصان و کارشناسان با مباحث خصوصی‌سازی، از دیگر موانع فرهنگی و اجتماعی شناسایی شده در مسیر پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. بدیهی است هر تغییر سیاستی از سوی دولت با عکس‌العمل‌های مختلفی از سوی گروه‌های اجتماعی مواجه خواهد شد (۳۰). برخی از آن استقبال خواهند کرد و برخی به رویارویی با آن خواهند پرداخت و برخی دیگر تلاش خواهند کرد تا با انجام اصلاحاتی آن‌ها را به نفع خود مصادره کنند. در هر صورت آنچه مسلم است این است که همه گروه‌ها می‌کوشند تا بر تصمیم دولت تأثیر بگذارند و آن را به مسیر دلخواه خود بکشانند؛ از این رو، شناخت تحولات اجتماعی و آمادگی برای رویارویی با آن از ضروریات مدیریت موفق خصوصی‌سازی است. نوع عکس‌العمل هر گروه یا فرد بسته به نگرش وی به اجرای این سیاست‌ها و چگونگی تأثیر آن بر جابه‌جایی و توزیع مجدد منافع و منابع قدرت بین نیروها و نهادهای اجتماعی دارد. تمام این موارد، در اقتصاد کلان به‌عنوان انتظارات فرد تلقی می‌شود (۲۷).

خصوصی‌سازی مانعی برای رقابت است. مالکیت خصوصی برابر با رقابت نیست و آنچه می‌خواهد انحصار است. بخش خصوصی به دنبال زیادشدن رقیب نیست، بلکه این دولت است که باید فضای رقابت ایجاد کند؛ بنابراین خصوصی‌سازی می‌تواند جلوی رقابت را بگیرد. مدیران دولتی نه ابزار دارند

و نه انگیزه، ولی مالک بخش خصوصی به هر وسیله حتی رشوه، می‌تواند خواستار کاهش رقبا باشد. وقتی مالک دولتی را به خصوصی تبدیل کنیم، انگیزه قوی برای کاهش رقابت ایجاد کرده‌ایم، ولی برای توسعه بخش خصوصی از ابتدا بر رقابت تأکید می‌شود و نه تغییر مالکیت (۳۱).

نگاه مالکیتی دولت به شرکت‌ها و صنایع زبردست و نیز بی‌میلی مسئولان و مدیران دولتی به کاهش حیطه نظارت یا مدیریت آن‌ها از جمله دیگر موانع فرهنگی و اجتماعی است که در مسیر پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای شناسایی شد. بر اساس تعریف، خصوصی‌سازی به معنای فرآیندی است که در آن مالکیت و کنترل شرکت‌ها از بخش دولتی به بخش خصوصی انتقال می‌یابد. نبود هر یک از عوامل فوق، مفهوم خصوصی‌سازی را خدشه‌دار می‌نماید. همان‌گونه که در تعریف مشخص شده است، انتقال مالکیت شرکت‌ها تا زمانی که کنترل‌های دولتی بر آن اعمال می‌شود، به معنی خصوصی‌سازی نیست، کاری که در کشور ما بارها صورت گرفته است. شرکت‌های بسیاری وجود دارند که به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، اما همچنان خرید مواد اولیه، فروش محصولات، صادرات یا واردات آن‌ها تحت کنترل دولت و با قیمت‌گذاری دولتی انجام می‌شود. از طرف دیگر به نظر می‌رسد، به دلیل اینکه مسئولیت و مدیریت اداره شرکت‌ها توسط مدیران منصوب‌شده از سوی دولت انجام می‌شود، کاهش چندانی در تصدی‌گری دولت ایجاد نخواهد شد (۳۳). هم‌اکنون نیز بسیاری از مدیران و مسئولان باشگاه‌های ورزشی از جمله باشگاه‌های سایپا، پیکان، سپاهان و مانند آن ادعا دارند که به‌عنوان بخش خصوصی مشغول فعالیت‌اند در حالی که عزل و نصب مدیران باشگاه‌ها کماکان تابع تصمیم مدیران دولتی و اختیار باشگاه‌ها همچنان در دست دولت است.

مدیران کشور هنوز در مورد خصوصی‌سازی به جمع‌بندی واحدی نرسیده‌اند. آنان از اینکه در روند خصوصی‌سازی قدرت خود را از دست بدهند، نگران‌اند. در ضمن مزایای فراوانی که مدیران شرکت‌های دولتی دارند در مقاومت آن‌ها برای واگذاری شرکت‌های خود مؤثر است. علاقه‌مندی به حفظ گستره امپراتوری شرکت‌ها و ترس از متهم شدن، به فرار مدیران شرکت‌ها از واگذاری سهام خود به بخش خصوصی منجر شده است. به‌طور ویژه، مدیران عامل شرکت‌های دولتی علاقه‌ای به واگذاری شرکت‌های سودده ندارند و پیش‌بینی می‌کنند هنگام واگذاری شرکت دولتی به بخش خصوصی، سمت خود را از دست بدهند. مدیران دولتی با پنهان شدن در پشت پرده ابهامات و مواد قانونی، فرآیند خصوصی‌سازی را طولانی‌تر می‌کنند (۳۶).

در بسیاری از مواقع اختلافات در خط مشی‌ها و راه‌کارهای خصوصی‌سازی از مقاومت گروه‌های متأثر از آن نشأت می‌گیرد؛ چون آن‌ها خود را متعهد به حفظ وضع موجود و نه تحول و تغییر در ساختار و سیستم سازمان می‌دانند. اختلافات در خط‌مشی‌ها و راه‌کارهای خصوصی‌سازی، خود از عدم

درک درست از اهداف و راهبردها ناشی می‌شود که پیش‌تر بدان اشاره شد (۲۹). به نظر می‌رسد، به جز مقامات عالی‌رتبه دولت که با خصوصی‌سازی موافق‌اند، برخی مقاومت‌ها و کارشکنی‌ها از طرف مدیران شرکت‌های دولتی برای واگذاری سهام آن‌ها به بخش خصوصی و تعاونی به وجود می‌آید. مثلاً سعی دارند شرکت را زیان‌ده نشان دهند یا با گرفتن برخی تسهیلات غیرضروری، طرح‌های توسعه‌ای برای شرکت تدارک بینند. اجرای صحیح و دقیق سیاست‌های کلی اصل ۴۴، نیازمند هماهنگی تمامی اجزای بدنه دولت است (۳۷).

نکته کلیدی دیگر در این زمینه آن است که در حال حاضر دولت هم مسئولیت اداره شرکت‌های دولتی را بر عهده دارد و هم مسئول واگذاری این شرکت‌ها به بخش خصوصی است؛ بنابراین باید بین حوزه مدیریت دولتی و حوزه واگذاری این شرکت‌ها تفکیکی به وجود آید؛ زیرا احتمالاً مهم‌ترین و جدی‌ترین مانع در راه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی همین مسئله است و تا تسلط مدیران دولتی بر شرکت‌های دولتی رفع نشود، این سیاست‌ها قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند (۳۷).

در واقع، خصوصی‌سازی به نوعی به هم ریختن ساختاری غیرکارآ با بهره‌وری کم و فرهنگ سازمانی مبتنی بر عدم مشارکت جمعی و عدم بهره‌برداری از توانایی‌های افراد، در جهت طراحی ساختاری پویا و بهره‌ور با رفتار سازمانی کاملاً همگرا و فرهنگ سازمانی مشارکت طلبانه خلاق است. در این بین، بدیهی است گروه‌ها و افرادی که خود پتانسیل کمی دارند و همچنین کارآیی و بهره‌وری لازم را نیز ندارند، نمی‌توانند این ساختار شکنی را تحمل کنند و با ایجاد زمینه‌های یأس و ناامیدی و بیان عباراتی که به نوعی این ساختار شکنی را مانند سایر فعالیت‌های غیر کارآ معرفی نماید، سعی خواهند نمود تا مانعی در راه تحقق تحول ایجاد کنند. شناسایی این گروه‌ها و افراد و یافتن دلایل مخالفت آن‌ها از وظایف مدیران و دست‌اندرکاران خصوصی‌سازی است. البته این امر بسیار ظریف و حساس است و اقدامات مدیریت نیز باید بسیار دقیق و ظریف انجام شود. بی‌توجهی به این خصلت و این رویکرد نقضی بزرگ است و در کارها ایجاد خلل خواهد نمود (۲۹).

عدم شناخت فرهنگ ورزش حرفه‌ای در میان مسئولان و مدیران باشگاه‌های ورزشی و همچنین، انتظار کارکردهای فرهنگی و تربیتی از باشگاه‌های حرفه‌ای را می‌توان از دیگر موانع فرهنگی و اجتماعی شناسایی شده در راه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای برشمرد. حرفه‌ای شدن ملزوماتی دارد که بدون رعایت آن‌ها نمی‌توان به اهداف نهایی حرفه‌ای‌گری رسید. لیگ‌های حرفه‌ای در کشور ما تنها در لفظ یا در برخی از حواشی حرفه‌ای شده‌اند و اصول ورزش حرفه‌ای چندان که باید و شاید بر فرهنگ باشگاه‌داری در کشور

غلبه نکرده است.

از دیگر مسائلی که در بیشتر باشگاه‌های ورزشی کشور دیده می‌شود، درج عبارت فرهنگی - ورزشی در نام مؤسسات و باشگاه‌های ورزشی است. محققان عقیده دارند، همین انتظار کارکردهای فرهنگی از باشگاه‌ها موجب برخی دخالت‌های دولتی در امور باشگاه‌ها شده و مجوزی برای ورود دولت یا نهادهای دولتی به عرصه باشگاه‌داری حرفه‌ای است. فرهنگ و اصول ورزش حرفه‌ای در بطن خود حاوی بسیاری از مسائل فرهنگی و ارزشی است و چنین به نظر می‌رسد که اگر این فرهنگ و اصول از طرف مسئولان و مدیران به خوبی شناخته شده و در باشگاه‌های ورزشی کشور رعایت شود، بخشی از مشکلات و موانع موجود برطرف خواهد شد.

در مجموع می‌توان گفت، در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی با فرهنگ ضد این سیاست‌ها مواجه‌ایم که این موضوع متأسفانه در سازمان‌های دولتی و حتی در برخی از بنگاه‌های بخش خصوصی هم وجود دارد؛ بنابراین، برای رفع موانع موجود در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، بدون تغییر این فرهنگ و باورها به جایی نخواهیم رسید.

منابع

۱. نادران الیاس. نسبت سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ و سند چشم انداز بیست ساله. همایش ملی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، اسفند ماه ۸۵، تهران.
۲. کوزه‌چیان هاشم؛ گوهررستمی حمیدرضا؛ احسانی، محمد. بررسی و مقایسه رضایت‌مندی مشتریان باشگاه‌هایی بدن‌سازی خصوصی و دولتی مردان شهر تهران. نشریه مدیریت ورزشی حرکت. ۱۳۸۸؛ ۱: ۳۷-۵۱.
۳. پاداش دنیا؛ سلطان حسینی محمد؛ خبیری محمد؛ فتحی سعید. تعیین و اولویت‌بندی عوامل مدیریتی و اجرایی مؤثر بر خصوصی‌سازی باشگاه‌هایی ورزشی با روش AHP. همایش بین‌المللی علم و فوتبال، آکادمی ملی فوتبال، تهران، ۱۳۸۸. ص ۲۰-۱۶.
۴. سازمان بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۸۱)، تحول کسب و کار حرفه ای برای توسعه ظرفیت‌های اقتصادی ورزش: گزارش شناخت روش‌های باشگاه داری در اروپا، گزارش یک پژوهش.
5. Jones, D. Deloitte: Annual Review of Football Finance, National interest. Sports Business Group at Deloitte. 2010. In: www.deloitte.co.uk/sportsbusinessgroup.
6. Van de Walle, N. (1989), Privatization in Developing Countries: A Reviews of

- The issues, *World Development*, 17(5): 601-13.
۷. جوان، عیسی. بررسی وضعیت ساختاری، برنامه ریزی و بودجه باشگاه‌هایی ورزشی خصوصی شهرستان ارومیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه، ۱۳۸۶.
۸. خورشیدی ابوالفضل. مشکلات اساسی تربیت بدنی و ورزش با تاکید بر برنامه چهارم توسعه و پیشنهاد برای برنامه پنجم پیشرفت و عدالت. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، طرح شماره ۹۹۶۰، تهران؛ ۱۳۸۸.
9. Megginson, W., Netter, J. (2001). From state to market: A survey of empirical studies on privatization. *Journal of Economic Literature*, 39:321-389.
10. D'Souza, J., Megginson, W., Nash, R. Effect of institutional and firm specific characteristics on post privatization performance: Evidence from developed countries. *Journal of Corporate Finance*; 2005. 11:747-66.
11. Boubakri, N., Cosset, J., Guedhami, O. Liberalization, corporate governance and the performance of privatized firms in developing countries. *J. of Corporate Finance*; 2005.11:767-90.
12. Grusky, S., Fiil-Flynn, M. Will the World Bank Back down? Water Privatisation in a Climate of Global Protest (Washington, D.C.: Public Citizen); 2004. P: 18-19.
13. Sariolghalam, M. Democracy in the Middle East: Limitations and Prospects, the Bruno Kreisky Forum for International Dialogue; 2006.
14. IMF. Annual Report of the Executive Board for the Financial Year Ended April 30, 1996. IMF Publications, Washington, D.C.
15. Ayubi, N. A Comparative Perspective on Privatization Programmes in the Arab World, in Younis T., Privatization: A Review of Policy and Implication in Selected Arab Countries. *International Journal of Public Sector Management*. 1996; Vol. 9, pp.18-25.
۱۶. خورشیدی ابوالفضل. فوتبال در نظام باشگاه‌داری. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، طرح شماره ۸۶۲۸، تهران؛ ۱۳۸۶.
17. Jackson, R. (2001), *Sport Administration Manual*, Herford Enterprises Ltd, IOC, Lausanne, Switzerland; 2001.
18. Barros, C. P. (2006), The Financial crisis in Portuguese Football, *Journal of Sport Economics*; 2006. 7(1): 96-104.
۱۹. خبیری محمد؛ الهی علیرضا. مقایسه وضعیت باشگاه‌هایی لیگ حرفه‌ای فوتبال جمهوری اسلامی با توجه به معیارهای یوفا و باشگاه‌هایی منتخب ژاپن، کره جنوبی، امارات و ترکیه. فصلنامه پژوهش

در علوم ورزشی، ۱۳۸۴؛ ۸: ۳۵-۱۵.

۲۰. کاشف میرمحمد؛ جعفری علی محمد؛ احمدی اژدر. بررسی موانع و مشکلات موجود در رابطه با اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش از دیدگاه صاحبان باشگاه‌های خصوصی شهرستان اصفهان. مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی، کیش؛ ۱۳۸۶. ص ۲۸۶.

21. Keen, MP. A. (2009), English Football and its Governance. All Party Parliamentary Football Group; 2009. In: www.allpartyfootball.com.

22. Baroncelli, A., Lago, U. Italian Football. Journal of Sports Economics; 2006. 7(1):13-28.

۲۳. آنسلم استرس؛ جولیت کوربین. اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران؛ ۱۳۸۵.

۲۴. سرمد زهره؛ بازرگان عباس؛ حجازی الهه. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. انتشارات آگاه، چاپ دهم، تهران؛ ۱۳۸۳.

25. Oxford University, (2005), Interviewing in Qualitative research, available online in Oxford University: www.Oup.co.uk/pdf/0-19-874204-5chap15..

۲۶. عزیزخانی فاطمه. (۱۳۸۵)، اهم الزامات اجرای سیاست‌هایی ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، طرح شماره ۸۲۳۷، تهران؛ ۱۳۸۵.

۲۷. علوی راد عباس؛ رضازاده ریحانه. مشکلات ساختاری بخش خصوصی و نحوه تأثیر گذاری آن بر اجرای اثر بخش سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ قانون اساسی: ضرورت ایجاد یک سیستم نظارتی کلان. همایش نظارت بر اجرای سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور، تهران؛ ۱۳۸۷.

۲۸. توکلی سیده سمانه؛ نوربخش مهدی. شناسایی موانع انسانی خصوصی سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهکارهای مناسب. همایش نظارت بر اجرای سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور، تهران؛ ۱۳۸۷.

۲۹. سعیدی پرویز. (۱۳۸۷)، بررسی موانع و الزامات اجرایی پیش روی سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نشریه راهبرد یاس، ۱۳۸۷؛ ۱۶: ۲۱۷-۱۹۷.

۳۰. آخوندی عباس. مبانی نظری از منظر رابطه دولت و بازار، انتشارات پیشبرد، با همکاری سازمان خصوصی سازی، چاپ اول، تهران؛ ۱۳۸۲.
۳۱. می‌دری احمد. موانع خصوصی سازی در ایران. روزنامه سرمایه، شماره ۴۹۹، ۱۷ تیرماه ۱۳۸۶، ص ۲.
۳۲. مؤمنی فرشاد. کالبد شناسی یک برنامه توسعه، موسسه تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس؛ ۱۳۷۴.
۳۳. آقاجانی حسنعلی؛ یداللهی جهانگیر؛ کیاکجوری کریم. ارائه یک مدل مفهومی از چالش‌های مدیریتی در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی. همایش نظارت بر اجرای سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور، تهران؛ ۱۳۸۷.
34. Earle, J. S. (2006), Employment and wage effects of privatization, Evidence from transition economics. Employment Research, p: 6.
۳۵. جاشی کوپال. تجربه خصوصی سازی در جنوب آسیا، ترجمه معاونت مطالعات و ارزیابی سازمان خصوصی سازی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، چاپ اول، تهران؛ ۱۳۸۵.
۳۶. حسینی سید احمد؛ مهرآرا اسداله. چگونگی حمایت از خصوصی سازی و چالش‌های فرارو. همایش نظارت بر اجرای سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور، تهران؛ ۱۳۸۷.
۳۷. قنبری علی؛ سپانلو هاشم. موانع و مشکلات اجرای سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ و وظایف نهادهای نظارتی، نشریه راهبرد یاس؛ ۱۳۸۷؛ ۱۴: ۸۸-۶۱.

ارجاع مقاله به روش ونکوور

علی دوست قهفرخی ابراهیم؛ جلالی فراهانی مجید؛ گودرزی محمود؛ نادران الیاس. تحلیل موانع فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر اجرای سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای ایران. مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۳۹۲؛ ۵ (۲۰): ۷۹-۹۶